

علمی-پژوهشی

فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد شوشتر

سال هفتم، شماره دوم، پیاپی (۲۱)، تابستان ۱۳۹۲

تاریخ دریافت: ۹۱/۹/۱۲ تاریخ پذیرش: ۹۱/۱۱/۱۱

صص ۹۸-۷۳

بررسی رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی و نگرش به ازدواج؛ مطالعه موردی دانشجویان دختر ۱۸-۲۵ ساله دانشگاه اصفهان

نصراله پور افکاری^۱، مهدخت عنبری روزبهانی^{۲*}، بهزاد حکیمی‌نیا^۳

چکیده

شناخت ویژگی‌های شخصیتی افراد در بسیاری از موقعیت‌ها و فرصت‌های زندگی کارکرد ویژه‌ای دارد. خصوصیات شخصیتی بعضی از مردم، آن‌ها را در مقابل اتفاقات استرس‌آمیز زندگی و آسیب‌های اجتماعی و نسبت به ابتلای بیماری‌های روانی مستعدتر می‌سازد. هدف از این پژوهش بررسی ارتباط میان ویژگی‌های شخصیتی (درون‌گرایی، برون‌گرایی، سلطه‌گری، سلطه‌پذیری) و نگرش نسبت به ازدواج در بین دانشجویان دختر ۱۸-۲۵ ساله دانشگاه اصفهان است. جامعه آماری پژوهش کلیه دانشجویان دختر ۱۸-۲۵ ساله دانشگاه اصفهان بوده و از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای استفاده شده است. حجم نمونه مورد نظر ۳۸۲ نفر و روش تحقیق از

۱- دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر

mahdokht56@gmail.com

۲- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز

۳- کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهاقان و دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز

نوع همبستگی است. نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد بین میزان درونگرایی، برونگرایی، سلطه‌پذیری، سن، پایگاه و عقاید مذهبی و نگرش به ازدواج رابطه وجود دارد، ولی بین سلطه‌گری و نگرش به ازدواج تفاوت معناداری مشاهده نشده است.

واژه‌های کلیدی: ازدواج، شخصیت، درونگرایی، برونگرایی، سلطه‌پذیری، سلطه‌گری.

مقدمه و بیان مسأله

بی تردید شخصیت و ویژگی‌های شخصیتی یکی از رایجترین مفاهیم اساسی در حوزه علوم انسانی است و با کمی توجه در صحبت‌های روزمره متوجه کاربرد فراوان این مفهوم هستیم. کاربردهایی که براساس معانی و تعابیر مختلف قرار دارند، گاه دلالت بر صفات و ویژگی‌های بارز افراد و گاه نشان‌دهنده مقام و مهارت‌های اجتماعی هستند. کاربرد دیگر واژه شخصیت زمانی است که توانش‌های فرد برای تحت تاثیر قرار دادن دیگران مورد نظر است. موارد ذکر شده غالباً قضاوت‌های سطحی و محدود در مورد افراد را بدنبال دارند. اما نظر اندیشمندان این زمینه؛ یعنی روانشناسان چیز دیگری است. در تعاریفی که از شخصیت شده تنوع و اختلاف بسیاری به چشم می‌خورد که ناشی از نظریه‌های گوناگونی است که نظریه پردازان درباره چگونگی تشکیل و تحول شخصیت و مفاهیم انگیزشی رفتار آدمی دارند (جمالفر، ۱۳۷۳: ۱۲۱). گستردگی این مفهوم تا آنجایی است که بسیاری از پدیده‌های اجتماعی و روانی را تحت تاثیر قرار داده است، به نحوی که امروز آنچه که عامل بقا و استمرار جوامع و زندگی بشری یعنی ازدواج است پیوند تنگاتنگی با مفهوم شخصیت دارد. اصولاً مسأله ازدواج و انتخاب همسر یکی از مسائل بسیار قابل اهمیت زندگی است که باید به دقت مورد توجه قرار گیرد، این مبحث اگر چه ظاهری ساده دارد، لیکن حقیقتی مبهم را در انتظار انسان قرار می‌دهد که اگر با عقل و درایت و تحقیق و ذکاوت با آن برخورد شود، زندگی سالم در محیطی امن و سلامت که مقرون به عواطف تام و تمام انسانی باشد را برای بشر به ارمغان می‌آورد و اگر با میل و هوی و غفلت و شهوت با آن برخورد شود یک عمر تشویش و اضطراب و نگرانی و خوف را به همراه خواهد داشت. با وجود تغییرات سریع در دوران ما، خانواده، نقش‌ها و مسائل آن، روابط درونی و بیرونی آن دستخوش دگرگونی‌ها و تحولات

بسیار گردیده است. تحولات نشانگر آن است که هر چه از نظام سنتی به مدرن و سرمایه داری نزدیک می‌شویم، امکان آسیب‌های فردی و خانوادگی افزایش می‌یابد. محو تدریجی و بعضاً ناگهانی نهادهای خاص جوامع گذشته، تضعیف خانواده پدرسالار و در کنار آن رشد تضادها و تقابل‌های روز افزون اجتماعی، باعث فرو ریختن سنت‌های کهن و جایگزینی ارزش‌های اخلاقی در اجتماعی تازه می‌گردد و مفاهیم سنتی و شیوه‌های کهن زندگی خصوصی و خانوادگی را متحول کرده و به مبارزه می‌خواند (والچاک، ۱۳۶۶: ۱۳). در واقع نابسامانی سازمان خانوادگی یا گسیختگی آن را می‌توان به عنوان شکست واحد خانواده و گسیختگی ساخت نقش‌های اجتماعی به علت قصور یا ناتوانی یک یا چند عنصر خانواده در اجرای نقش‌های خود تعریف نمود (گود، ۱۳۵۲: ۲۴۸). چرا که نقش خانواده به عنوان کوچکترین واحد اجتماعی با کارکردهای مختلف آن، می‌تواند هم در جنبه مثبت آن؛ یعنی ایجاد کانون آرامش و هم در جنبه منفی آن، یعنی ایجاد آسیب‌های اجتماعی بسیار مهم و تأثیرگذار باشد. از جمله وجوه منفی پدید آمده از درون این نهاد اجتماعی، بروز آسیبی با عنوان طلاق و جدایی است که آثار مخرب آن می‌تواند در ابعاد اجتماعی فوق العاده زیاد باشد و موجب ایجاد ناهنجاری‌های اجتماعی بسیار گردد. طی دهه‌های اخیر به دنبال افزایش جمعیت و تغییر در نظام فرهنگی، ارزشی و هنجاری، میزان طلاق‌های توافقی روندی افزایشی به خود گرفته است. پدیده‌ای که صرفاً به جوامع صنعتی محدود نشده و به عنوان یک ارزش اجتماعی - فرهنگی جدید به سایر جوامع نیز راه یافته است (شیخی، ۱۳۸۰: ۱۰۶). ریشه این نوع طلاق‌ها را باید در ویژگی‌های شخصیتی افراد جستجو کرد. بسیاری بر این عقیده‌اند نظام شخصیتی افراد در هنگام ازدواج عامل مهمی در بقا یا گسستگی رابطه است. با توجه به وضعیت کنونی جامعه ما نیز در مسیر تغییراتی قرار دارد که چشم انداز و دامنه آن چندان که باید روشن نیست؛ زیرا بواسطه جهانی شدن و پیشرفت‌های تکنولوژیکی و فرآیند مدرنیته، ساختار اجتماعی خانواده ایرانی تحت تأثیر و دگرگونی قرار گرفته است. خانواده ایرانی با چالش‌های بسیاری روبرو است؛ که این چالش‌ها سطوح سرمایه اجتماعی خانواده را دستخوش تغییر نموده است. تحولاتی از قبیل، تغییر در جایگاه زنان، افزایش میزان طلاق و تغییرات در مرکزیت تصمیم‌گیری خانواده به گونه‌ای بروز کرده اند که حوزه مطالعات خانواده در ایران را به طرح

بحث فروپاشی خانواده کشانده است. بررسی‌ها نشان داده که آمار طلاق در طول چند سال اخیر در ایران روشنگر حقایق تلخ و درد آوری است. تحقیق در جدایی همسران در جهان و مقایسه آن با افزایش طلاق در ایران روشن می‌سازد، میزان طلاق در ایران گرچه نسبت به جدایی‌های آمریکا و روسیه رقم کمتری را به خود اختصاص داده است؛ اما نسبت به کشورهای اروپایی بیشتر است (ریحانی و عجم، ۱۳۸۱: ۹۷). از طرفی، کم توجهی به مسائل اجتماعی در دهه‌های اخیر، به گسترش بحران‌های اجتماعی منجر شده، که یک نمونه آن افزایش ناهنجاری اجتماعی است. بررسی‌ها نشان می‌دهد در حال حاضر طلاق مهم‌ترین معضلی است که جامعه از آن رنج می‌برد. براساس آمار منتشره از سوی سازمان ثبت احوال کشور، طلاق‌های ثبت شده در سال ۱۳۸۸، ۵۱۱۹۹۲ مورد است که این رقم نسبت به سال ۱۳۸۷، حدود ۱۱ درصد رشد داشته است. این تحولات نظام خانواده را با تغییرات، چالش‌ها، مسائل و نیازهای جدید و متنوعی مواجه کرده است و طی همین مدت، خانواده به شکلی فزاینده در معرض تهدید قرار گرفته است. هنگامی که کارکردهای خانواده از قبیل؛ کارکردهای زیستی، اجتماعی، شناختی و عاطفی یکی پس از دیگری آسیب می‌بیند، اعضای آن به تدریج احساس رضایت‌مندی خود را از دست می‌دهند، کاهش تدریجی رضایت‌مندی اعضا خانواده قبل از هر چیز موجب گسستگی روانی و سپس گسستگی اجتماعی می‌شود (آماتو، ۱۹۹۸؛ ۷۱).

اهمیت و ضرورت تحقیق

شخصیت و ویژگی‌های شخصیتی از جمله مسائل مهمی هستند که از دیرباز مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته‌اند و محققان همواره کوشیده‌اند تا تاثیر ویژگی‌های شخصیتی را بر ابعاد مختلف زندگی بویژه امر ازدواج که مهمترین و سرنوشت سازترین واقعیت زندگی است مورد بررسی قرار دهند. اختلافات زناشویی ممکن است به علل مختلف بروز کند. این را می‌توان به سه گروه تقسیم کرد. اولاً منازعات ممکن است به علت عدم رشد و تزلزل روحی زن یا شوهر یا هر دوی آنها بوده و به علت اختلافات عصبی موجود در شخصیت، آنها نتوانند آنگونه که شایسته است با یکدیگر توافق و تطابق حاصل نمایند. ثانیاً ممکن است به این علت

باشد که طرفین، همسر موافق و همپایه خود را انتخاب نکرده اند. ممکن است اختلاف شدیدی در رفتار، ارزش و علائق موجود بوده و یا نسبت به یکدیگر عشق کافی نداشته باشند و یا وضع جنسی آنها برای یکدیگر مطلوب نباشد. ثالثاً اختلاف ممکن است از عوامل خارجی سرچشمه بگیرد مانند وضع اجتماع، اقتصاد و نفوذ پدر و مادر در طرفین که هر کدام به نوبه خود مانع برقراری روابط مطلوب در بین زن و شوهر می شوند. به عبارت دیگر منازعات زناشویی مربوط به خود ازدواج و یا بالاخره مربوط به محیط است. همیشه نمی توان این عامل اصلی را پیدا کرد، بلکه غالباً عوامل مختلفی دست به دست یکدیگر داده و منازعات و اشکالاتی بوجود می آورند. شکست یا موفقیت زناشویی بستگی تام به شخصیت زن و شوهر دارد. خلق و خوی طرفین، تمایلات و رفتار آنها و بالاخره سطح فکر و عمل آنها اهمیت زیادی در برقراری و یا انهدام ارکان زناشویی دارد. برای مثال افرادی که دارای مزاج عصبانی و یا تمایلات پسیکوپاتییک هستند به هیچ وجه نمی توانند در روابط خود تطبیق حاصل کنند، بخصوص در مورد ازدواج که احتیاج به صمیمیت و از خود گذشتگی زیادی دارد. وقتی که چنین افرادی ازدواج می کنند، مزاج عصبی خود را در مورد روابط زناشویی نیز خواهند داشت. به عنوان مثال دختری که شدیداً متکی به والدین خود بوده و در اثر فقدان اعتماد به نفس در اثر کوچکترین اتفاقی با شوهر خود به خانه بر می گردد، یا مردی که در اثر کوچکترین نارضایتی از همسر خود در مقابل امیال و آرزوها به غضب و اوقات تلخی می پردازد و یا جهت فرار از مسئولیت در مقابل حس عدم کفایت خود متمایل به مشروبات الکلی می شود، به هیچ وجه نخواهد توانست در روابط زناشویی خود تعدیل و هماهنگی بوجود آورد. در این گونه موارد مساله بیشتر مربوط به شخصیت است تا خود ازدواج. در اثر ازدواج روابط جدیدی بوجود می آید که خود در رفتار و سلوک زن و شوهر موثر است و بعضی افراد در آب و هوای گرم، مطمئن و محرک حاصله از روابط زناشویی نشود نمو می نمایند، ولی اصولاً مرد یا زن همان شخصیت استوار محکم خود را در زناشویی هم داشته و به همان طریقی رفتار می کنند که قبل از ازدواج هم داشته اند. در شناسایی عوارض اختلال شخصیت می توان بسیاری از آسیب‌های اجتماعی را با آن مرتبط دانست. رایج‌ترین اختلال شخصیت که در حیطه آسیب‌شناسی اجتماعی نیز همواره مطرح می شود، اختلال شخصیت ضداجتماعی است. افراد با اختلال

شخصیت ضداجتماعی به عنوان اشخاصی شناخته می‌شوند که مشکلاتی را در زندگی اجتماعی نشان می‌دهند و همواره در مساله ارتباط با دیگران مثبت عمل نمی‌کنند. (میرزایی، ۱۳۷۵). مطالعات مختلف نشان داده افرادی که همیشه دوست و صمیمی بوده و در روابط اجتماعی خود صبور و معین بوده‌اند پس از ازدواج زن یا شوهر خوبی خواهند بود، زیرا همین مشخصات را در خانه و روابط زناشویی هم خواهند داشت. بنابراین مردی که تصور می‌کند زن خود را کاملاً با میل خود بار می‌آورد و یا زنی که تصور می‌کند مرد را مطابق خواسته‌های خود تغییر داده و عوض می‌کند با ناامیدی شدیدی مواجه خواهد شد. از آن جا که ازدواج، عرصه یا زمینه‌ساز روابط گوناگونی است، در این پژوهش، به عواملی پرداخته خواهد شد که این ارتباط عاطفی را تحت تاثیر قرار می‌دهند. به دیگر سخن، بر آنیم تا آن ویژگی‌های شخصیتی را که سبب کم‌رنگ‌تر شدن حسّ مسئولیت‌پذیری در زوجین می‌شود، به اجمال توضیح دهیم. از این رو، در ابتدا به چگونگی شکل‌گیری رابطه علاقه میان مرد و زن یا همان عوامل مؤثر بر انتخاب همسر می‌پردازیم.

اهداف تحقیق

هدف کلی:

بررسی ارتباط میان ویژگی‌های شخصیتی (درونگرای، برونگرایی، سلطه‌گری، سلطه‌پذیری) و نگرش نسبت به ازدواج در بین دانشجویان دختر ۲۵-۱۸ ساله دانشگاه اصفهان.

اهداف جزئی:

- ۱- بررسی ارتباط بین ویژگی شخصیتی (درونگرای، برونگرایی) و نگرش (مثبت و منفی) نسبت به ازدواج در بین دانشجویان.
- ۲- بررسی ارتباط بین ویژگی شخصیتی (سلطه‌گری، سلطه‌پذیری) و نگرش (مثبت و منفی) نسبت به ازدواج در بین دانشجویان.

سؤالات تحقیق

- ۱- آیا بین ویژگی شخصیتی (درونگرایی، برونگرایی) و نگرش نسبت به ازدواج در بین دختران دانشجو رابطه وجود دارد؟
- ۲- آیا بین ویژگی شخصیتی (سلطه‌گری، سلطه‌پذیری) و نگرش نسبت به ازدواج در بین دختران دانشجو رابطه وجود دارد؟

فرضیه‌های تحقیق

- ۱- بین میزان درونگرایی و نگرش به ازدواج در بین دختران دانشجو رابطه وجود دارد.
- ۲- بین میزان برونگرایی و نگرش به ازدواج در بین دختران دانشجو رابطه وجود دارد.
- ۳- بین میزان سلطه‌گری و نگرش به ازدواج در بین دختران دانشجو رابطه وجود دارد.
- ۴- بین میزان سلطه‌پذیری و نگرش به ازدواج در بین دختران دانشجو رابطه وجود دارد.

ادبیات تحقیق

مفهوم شخصیت در روانشناسی مفهومی است بسیار اساسی، اما تعریف آن مسأله واقعاً بغرنجی است. چیزی که تا حدودی پذیرفته شده این است که شخصیت هر فرد گرایش‌های دیر پای سرشتی وی و آن واقعیت بنیادی است که زمینه ساز تفاوت‌های فردی مهم در رفتار محسوب می‌شود (براهنی و گاهان، ۱۳۷۷). واژه شخصیت به شیوه‌های مختلفی تعریف شده است، مثلاً در اصطلاح عامه لفظ شخصیت به معنی هیبت شهرت و به طور کلی هر نوع صفت اخلاقی برجسته‌ای است که سبب امتیاز خود آدمی شده و به خاطر آن صفت از جانب دیگران مورد احترام قرار می‌گیرد. در اصطلاح روانشناسی آن چیزی که بسیار جلب توجه می‌کند گوناگونی تعریف‌هایی است که از جانب دانشمندان این علم در مورد شخصیت ارائه شده است (سیاسی، ۱۳۷۱: ۸۷). در اصل تعریف شخصیت از دیدگاه هر دانشمند یا هر مکتب و گروهی به نظریه یا تئوری خاص آنها بستگی دارد. اما به طور کلی شخصیت را می‌توان از نقطه نظر روانشناسی به صورت زیر تعریف کرد: «شخصیت مجموعه‌ای سازمان یافته و واحدهای متشکل از خصوصیات نسبتاً ثابت و مداوم است که در مجموع یک فرد را از فرد دیگر متمایز می‌سازد (سیاسی، ۱۳۷۱: ۸۸)

صفات پنج گانه شخصیت^۱

مک کرا و کاستا^۲ (۱۹۸۷) شخصیت را در امتداد پنج بعد یا پنج عامل اصلی شامل روان رنجور خویی^۳، برون گرایی، تجربه پذیری، همسازی و وجدانی بودن توصیف کرده‌اند. روان رنجور خویی: به تمایل برای تجربه اضطراب، تنش، خود خوری، خصومت، تکانشوری، کمرویی، تفکر غیر منطقی، افسردگی و عزت نفس پایین اطلاق می‌شود. برون‌گرایی^۴: به تمایل برای مثبت بودن، قاطعیت، تحرک، مهربانی و اجتماعی بودن گفته می‌شود.

باز بودن ذهن^۵ عبارت است از تمایل به کنجکاوی، هنر نمایی، خردورزی، انعطاف پذیری، روشنفکری و نوآوری.

سازگاری^۶: به تمایل برای گذشت، مهربانی، سخاوتمندی، اعتماد ورزی، همدلی، فرمانبرداری، فداکاری و وفاداری اطلاق می‌شود.

وجدانی بودن^۷: عبارت است از تمایل به سازماندهی، کار آمدی، قابلیت اعتماد، خویشن‌داری، پیشرفت گرایی، منطق گرایی و تعمق (جان، ۱۹۸۹؛ مک کرا و جان، ۱۹۹۲؛ مک کرا و کاستا، ۱۹۸۷ به نقل از بشارت، ۱۳۸۶: ۸۰-۸۱).

دیدگاه‌های متفاوت در زمینه شخصیت:

ابتدا مروری داریم بر نظریه‌های مبتنی بر خلق و خوی که دارای پیشینه کهنی هستند: از این دست می‌توان نظریه بقراط (۳۷۷-۴۶۰ ق.م) را نام برد. او که پدر پزشکی نام گرفته و قسم نامه اش هنوز توسط دانشجویان پزشکی هنگام فارغ التحصیل خوانده می‌شود فکر

- 1- Big Five Factor Personality
- 2- Mc Crae & Costa
- 3- Neuroticism
- 4- Extraversion
- 5- Openness
- 6- Agreeableness
- 7- Conscientiousness

می‌کرد انسان دارای چهار نوع خلط است که این اخلاط قابلیت تاثیرگذاری روی مزاج را دارند و از این طریق موجب تغییر رفتار و شخصیت فرد می‌شوند. این چهار خلط عبارتند از: خون، که افراد را شاد و خوشبین می‌سازد، بلغم، که افراد را خونسرد و بی‌رگ و بی‌عاطفه می‌سازد، صفرای سیاه، که موجب غمگینی و افسردگی می‌گردد، و صفرای زرد، که افراد را صفراوی و زود خشم می‌سازد.

پس از او تئو فراستوس (۲۸۷-۳۷۲ ق.م) در کتاب منش‌ها، تیپ‌های متملق و ریاکار و خسیس و ... را که بیشتر نامطلوب بودند معرفی نمود.

سپس جالینوس (۲۰۱-۱۳۱ ب.م) سیستم چهارگانه بقراط را به نه نوع مزاج گسترش داد در قرآن نیز مقولات روانشناسی با معانی مختلفی مورد توجه قرار گرفته است. از شخصیت با عنوان نفس یاد شده و به عنوان مثال در سوره انعام آیه ۷۰ به این صورت به شخصیت انسان اشاره شده: "و پند بده به آن که نفس آن چه کسب کند بدان گرفتار می‌شود" (انعام، آیه ۷۰). در این جا نفس همان مجموعه حالات روانی است که خاصیت ادراکی، انفعالی، و افعالی دارد و بر مبنای این سه خصوصیت خود را می‌سازد و شخصیت خود را شکل می‌دهد و به صورت جوهری مجرد است که مستقل از بدن و حاکم بر آن است. دانشمندان اسلامی چون؛ کندی، فارابی، ابن سینا و غزالی نیز در این زمینه کارایی ابزار داشته‌اند و غالباً تحت تاثیر عقاید گذشتگان، چون ارسطو بوده‌اند (پارسا، ۱۳۷۱: ۱۴).

نظریه تحلیلی فروید

با وجود تمام انتقاداتی که به زیگموند فروید (۱۸۵۶-۱۹۳۹) وارد شده، نمی‌توان منکر عظمت موفقیت‌های فروید شد. رساله فروید نگرش ما را نسبت به طبیعت انسان و حتی خود فرهنگ غربی تغییر داد و تمام این‌ها می‌تواند نشان دهنده خارق العاده بودن مغز فروید باشند. فروید چون کپرنیک، داروین، مارکس و انیشتاین انقلابی عظیم در شیوه تفکر ما در مورد جهان و خودمان بوجود آورد. او با شخصیتی عظیم، عطش شدیدی برای درک حقیقت و ایمان پایان ناپذیری به خود و جرأتی خستگی ناپذیر داشت که همه چیز را بر سر ایمان خود می‌نهاد. او استعداد شگرف تمام نشدنی داشت، فروید را پدر روانکاو خوانده‌اند، می‌توان او را به حق

پدر نظریه‌های مربوط به شخصیت نیز دانست امروزه زمینه روانشناسی او با عنوان روانشناسی نیروی اول کاربرد علمی و عملی زیادی دارد. فروید در این نظریه سه وجه عمده را مطرح می‌کند؛ سازمان شخصیت، سطح هوشیاری و پویایی شخصیت. از نظر فروید شخصیت از سه بخش تشکیل شده است؛ نهاد، خود و فراخود. نهاد آن بخش از شخصیت است که از ابتدای تولد به ما وجود دارد و یک ماهیت صرفاً زیستی است، به عبارت دیگر نیاز زیستی است و بر اساس اصل لذت عمل می‌کند؛ یعنی هر آن چه که لذت برانگیز است جذب و هر آن چه را که دردناک است دفع می‌کند. با این همه بر خلاف عقیده رایج نهاد همیشه منبع بدی و فساد نیست و با آن چه به نفس اماره تعبیر می‌شود، فرق دارد. این نیروی نهاد است که آدمی را برای رفع احتیاجات اولیه زندگی به فعالیت و می‌دارد و چون ضمناً تابع اصل لذت است با مصرف کردن انرژی حیاتی از تنیدگی‌ها و ناراحتی‌ها می‌کاهد و تعادل حیاتی را برقرار می‌سازد (منصور، ۱۳۷۳: ۱۲۲).

نهاد البته خواهش‌های نامقبول و احیاناً زیان بخش هم دارد، ولی او تنها عامل فعال نیست تا آدمی را بی بند و بار بگذارد تا هر چه می‌خواهد بکند؛ بلکه همیشه با خود و فراخود که سطوح دیگر شخصیت هستند آمیخته و در کار است. فقط در کودکان خردسال که هنوز از اصل و واقعیت خبری ندارند و در بعضی مبتلایان به بیماری‌های روان پریشی است که یک‌ه تاز میدان است و با پیروی از اصل لذت همه نیروی روانی را که در اختیار دارد برای ارضای خود به کار می‌اندازد (منصور، ۱۳۷۳: ۱۲۲). من یا Ego مهمترین جزو شخصیت است که براساس اصل واقعیت عمل کرده و بین نظام شخصیت و واقعیت بیرونی ایجاد رابطه می‌کند. اما کارکرد مهم ایگو ایجاد رابطه می‌کنند. اما کارکرد مهم ایگو ایجاد تعادل بین خواست‌های بدون حد نهاد با سرکوبی‌ها و نباید‌های سوپرایگو است. یعنی به نوعی نقش یک واسطه یا تعادل بخش را بازی می‌کند. فراخود یا Super Ego قسمتی از شخصیت است که ارزش‌ها و مفاهیم و باید و نبایدهای جامعه و سیستم خانواده را منعکس می‌کند و به نوعی تشکیل دهنده وجدان در شخصیت است و صرفاً براساس ارزش‌های اجتماعی رشد می‌کند و با تکانه‌های نهاد با قدرت تمام مخالفت می‌کند. رشد این قسمت‌ها بدین صورت است که در ابتدای تولد، نهاد وجود دارد و کودک تمام نهادش چیزهایی است که از آنها لذت می‌برد؛ مثل خوردن،

خوابیدن، و دفع کردن. نهاد قانونمندی نمی‌شناسد و تا ۱۷ ماهگی این نهاد است که حرف اول را می‌زند. ایگو بعد از سن ۱۸ ماهگی در کودک کم کم تحقق می‌یابد و می‌فهمد که خواست‌هایش را باید به تعویق بیندازد تا در یک موقعیت خوب بتواند برآورده کند. ایگو تا سن سه سالگی از نظر فروید کامل می‌شود و پس از آن سوپر ایگو شروع به رشد می‌کند و تا سن پنج یا شش کامل می‌شود. منبع نیروی این سه بخش لیبیدو نام دارد. لیبیدو به دو منبع عمده بستگی دارد؛ انگیزه‌های مرگ و انگیزه‌های زندگی. انگیزه‌های مرگ، همیشه در راه تخریب گری و بر ضد زندگی است در حالی که انگیزه‌های زندگی همیشه در راه لذت بردن و کسب نیازهاست این گزینه‌ها ممکن است با یکدیگر ترکیب شوند یا یکدیگر را خنثی کنند و یا جای یکدیگر را بگیرند. فروید بدلیل دید منفی خود می‌گفت: در نهایت این انگیزه مرگ است که غالب می‌شود. فروید می‌گوید: ایگو حکم یک سوارکار را دارد که هدایت به اسب سرکش نهاد، فراخود و واقعیت بیرونی را به عهده می‌گیرد (شاملو، ۱۳۷۲: ۹۲).

نظریه زیستی اجتماعی آلپورت

بحث اصلی آلپورت (۱۹۶۷-۱۸۹۷) در مورد صفات است و بین رویکردهای قدیمی و خلق و خوی شخصیت و نظریه‌های کنونی ارتباط برقرار می‌کند. وی شخصیت نظامی پویا از سیستم‌های روان تنی می‌داند که نحوه تفکر و عمل ما را مشخص می‌کند. او معتقد به آمیختگی و هماهنگی فعالیت‌های جسمی و روانی است و می‌گوید ویژگی‌های بدنی و مزاج و هوش، مواد خام شخصیت هستند. او ساختار شخصیت را انگیزش و صفات می‌داند. انگیزه عامل اصلی رفتار است و در دوران مختلف زندگی تغییر می‌کند و تحول شخصیت مستلزم تغییر و تحول در انگیزه‌هاست. از نظر او انگیزه‌ها همزمان و معاصر هستند، متنوع و گوناگونند، هدفدار و منحصر به فرد نیز هستند. آلپورت این خصوصیات را در دفاع از تفاوت‌های فردی عنوان می‌کند. او صفات عناصر سازنده شخصیت می‌داند و می‌گوید صفت ساختار عصبی روانی است که به بسیاری از محرک‌ها عملاً یکسان پاسخ می‌دهد (سیاسی، ۱۳۷۱: ۱۲۰).

مفهوم دیگری که آلپورت مطرح می‌کند خودمختاری کارکردی است و می‌گوید برخی صفات به اینصورت پیدا می‌شوند که فرد ابتدا آنها را به طور اداری انجام می‌دهد، اما پس از

مدتی به صورت غیرارادی در می‌آیند. فرد این کارها را نه برای ارضای نیازهای اجتماعی یا زیستی یا پاداش؛ بلکه به خاطر خودش انجام می‌دهد. همچنین تاکید او درباره یکتایی فرد در بررسی و تحقیق شخصیت افراد، تاثیر فراوان داشته و مقام والای او در روان‌شناسی نمی‌تواند مورد تردید باشد (سیاسی، ۱۳۷۱: ۱۲۱)

نظریه تحلیل عوامل ریموند، بی.کتل

اصولا همه کسانی که درباره شخصیت نظریه آورده اند مقصودشان دست یافتن به متغیرها یا عواملی بوده است که بتوان به وسیله آنها به توصیف و توجیه چگونگی رفتارها پرداخت. برای این منظور از روش‌های روان‌درمانی، روانشناسی حیوانی و تحقیقات آزمایشگاهی بیشتر استفاده شده است، اما عده ای مانند کتل و آیزنک بیشتر روش آماری را به کار برده‌اند (منصور، ۱۳۷۳: ۹۷). کتل (۱۹۰۵) شخصیت را اینگونه تعریف می‌کند: شخصیت چیزی است که اجازه می‌دهد پیش بینی کنیم آدمی در اوضاع و احوال معین چه رفتاری خواهد داشت. او می‌گوید ماهیت شخصیت از مفاهیم صفت یا خصیلت، ارگ، متارگ، خود و معادله تشخیص درست شده است. منظور او از صفت، یک ساخت ذهنی و استنتاجی است که از مشاهده رفتار بدست آمده و پایداری آن را می‌رساند، سپس تقسیم‌بندی‌هایی برای صفت ذکر می‌کند. معنای ارگ و متارگ را نیز چنین بیان می‌دارد: ارگ استعدادی است فطری که به دارنده آن اجازه می‌دهد برای واکنش در برابر طبقات معینی از امور آمادگی بیشتری پیدا کند تا در برابر امور دیگر. به عبارت دیگر ارگ صنعتی عمقی، سرشتی، و با تحرک است و آدمی آن را هنگام زادن با خود به دنیا می‌آورد حال آنکه متارگ صنعتی عمقی است که جنبه انگیزشی دارد و ناشی از محیط است و در جریان زندگی در نتیجه تجارب شخصی و تاثیر عوامل اجتماعی و فرهنگی به وجود می‌آید (منصور، ۱۳۷۳: ۱۲۵).

از نظر او اگر بحث از شخصیت نتواند چیزی را به اثبات برساند و اندازه بگیرد و به حساب در آورد، باید نامش را فلسفه یا هنر گذاشت، نه نظریه شخصیت در روان‌شناسی. او رشد و تحول شخصیت را بیش از هر چیز مربوط به تغییر یافتن ارگ‌ها و برقرار شدن متارگ‌ها و سازمان یافتن خود می‌داند. سرعت وسعت این رشد و تحول هم به اعتقاد او وابسته است و هم

به عمل هوش و درجه استعداد و قدرت حافظه. او همچنین درباه تاثیر وراثت و محیط در تشکیل شخصیت تحقیقات فراوانی کرده است و با وجود رسیدن به نتایجی چند اعتقاد دارد هنوز از جزئیات عمل این دو عامل به قدر کافی اطلاع دقیق به دست نیاورده‌ایم (نیکخو، ۱۳۷۴: ۲۵)

رابرت مک کری و پل کاستا: الگوی پنج عاملی

کتل و آیزنک با استفاده از روش تحلیل عاملی، فهرست‌هایی از صفات شخصیت به دست آوردند که از نظر تعداد فرق داشتند. این به معنی نقص ذاتی در این روش نیست، بلکه بیانگر روشی است که نظریه پرداز اندازه گیری شخصیت انتخاب کرده است. پژوهشگرانی که تحقیقات مستقلی درباره شخصیت انجام داده‌اند. به نتیجه گیری مشابهی رسیده‌اند. یعنی اینکه شخصیت از پنج عامل گسترده تشکیل می‌شود.

رابرت مک کری^۱ (۱۹۴۹-) و پل کاستا^۲ (۱۹۴۲-) که در «مرکز پژوهش پیری‌شناسی مؤسسه‌های تندرستی در بالتیمور، مریلند» کار می‌کنند، برنامه‌ای را در پیش گرفته‌اند که پنج عامل شخصیت معروف به «پنج عامل عمده» یا «پنج بزرگ»^۳ را شناسایی کرد. ۱- رنجورخویی^۴؛ ۲- برونگرایی^۵؛ ۳- باز بودن ذهن^۶؛ ۴- مقبولیت اجتماعی^۷؛ ۵- وجدانی بودن^۸.

این پنج عامل با انواع شیوه‌های سنجش تأیید شده‌اند. از جمله خودسنجی‌ها، آزمون‌های روانی و عینی و گزارش‌های مشاهده‌گران. سپس پژوهشگران یک آزمون شخصیت به نام «پرسشنامه شخصیت NEO» ساختند (که سه واژه بدست آمده از حروف اول سه عامل اول هستند). یافته‌های هماهنگ به دست آمده از سنجش این عوامل با شیوه‌های سنجش مختلف،

1- Robert Mc Crae

2- Paul Costa

3- Big Five

4- Neuroticism

5- Extraversion

6- Openness

7- Agreeableness

8- Conscientiousness

بیان می‌کند که آنها جنبه‌های برجسته شخصیت هستند، این عوامل در جدول ۱ شرح داده شده‌اند.

جدول (۱): پنج عامل شخصیت (شولتز و شولتز، ۱۹۸۹)

عامل‌ها	شرح
روان‌رنجورخویی	نگران، ناامین، عصبی، بسیار دلشوره‌ای
برون‌گرایی	مردم‌آمیز، پرحرف، لذت‌جو و با محبت
باز بودن ذهن	مبتکر، مستقل، سازنده و شجاع
سازگاری	خوش‌قلب، دلسوز، ساده‌دل، مودب
وجدانی بودن	بادقت، قابل اعتماد، سخت‌کوش و منظم

می‌توان بین عوامل برون‌گرایی و روان‌رنجورخویی معرفی شده توسط مک‌کری و کاستا و ابعاد برون‌گرایی و روان‌رنجورخویی در نظریه آیزنک شباهت‌هایی را دید. از این گذشته، سازگاری و وجدانی بودن در الگوی مک‌کری - کاستا ممکن است حد پایین بعد روان‌پریش خویی آیزنک را که «کنترل تکانه» نامیده می‌شود، نشان دهد. باز بودن ذهن، همبستگی مثبت بالایی را با هوش نشان می‌دهد. به همین نحو سازگاری با علاقه همبستگی دارد (شولتز و شولتز، ۱۹۹۸).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مرکز ملی علوم انسانی

الگوی نظری برای پنج عامل

مک‌کری و کاستا (۱۹۹۹) الگوی نظری برای پنج عامل تنظیم کرده‌اند که آنرا نظریه پنج عاملی خوانده‌اند. آنها اساساً پنج عامل را به عنوان تمایلاتی اساسی که زمینه زیستی دارد، معرفی کرده‌اند؛ یعنی تفاوت‌های رفتاری مربوط به پنج عامل به ژن‌ها، ساختار مغز و مانند آن بر می‌گردد. این تمایلات اساسی، معرف آمادگی عمل و احساس به نحوی خاص است و به طور مستقیم تحت تأثیر محیط قرار ندارد. آنها با طرح مجدد مسأله طبیعت در برابر تربیت نظر خود را به این ترتیب بیان می‌کنند «جان کلام این است که: صفات شخصیت مانند خلق و خو،

آمادگی درونی در مسیر رشد بوده و اساساً مستقل از تأثیرات محیطی هستند» (مک کری و همکاران، ۲۰۰۰؛ به نقل از پروین و جان، ۲۰۰۱).

با توجه به شواهد مربوط به ارثی بودن تمایلات اساسی، تأثیرات محدود آنها از شیوه تربیتی والدین و مطالعاتی که در سایر فرهنگ‌ها و انواع موجودات شده است، مک کری و کاستا معتقدند که شخصیت از یک رشد درونی منشأ می‌گیرد. با این دیدگاه صفات شخصیت بیشتر متأثر از عوامل زیستی است تا محصول تجربه زندگی و شکوفایی تمایلات اساسی به وسیله محیط. به عکس، این تمایلات در طول زندگی هم بر خودپنداره و هم بر ویژگی‌های مربوط به سازگاری تأثیر می‌گذارد. که شامل نگرش‌ها، اهداف شخصی، باورهای خودکارآمدی و ویژگی‌های دیگری است. هم صفت سازگاری و انطباق و هم عوامل بیرون از فرد (مثل فرصت‌ها، هنجارها و محرومیت‌ها)، انتخاب و تصمیم‌هایی را که فرد در زندگی اتخاذ می‌کند، تحت تأثیر قرار می‌دهند و در زندگی نامه واقعی وی منعکس می‌شوند. این عوامل همچنین در خود پنداره فرد، یعنی جایی که وی به ساختن داستان زندگی و باورهای خود می‌پردازد نیز اثرگذار است (پروین و جان، ۲۰۰۱).

مروری بر تحقیقات انجام شده

خسروی (۱۳۷۳) در پژوهشی به بررسی ارتباط بین شخصیت و سبک مدیریت در مدارس راهنمایی دخترانه تهران پرداخته است. هدف تحقیق بررسی ارتباط بین شخصیت و سبک مدیریت در مدارس راهنمایی دخترانه تهران بوده است. بر اساس نتایج بین سبک مدیریت مدیران و ویژگی‌های شخصیتی موجود در افراد رابطه معناداری وجود داشت.

افتخاری (۱۳۷۴) در پژوهشی به بررسی تفاوت‌های شخصیتی موسیقیدانان و غیر موسیقیدانان شهر تهران در برخی عوامل شخصیتی پرداخته است. هدف بررسی تفاوت‌های شخصیتی موسیقیدانان و غیر موسیقیدانان شهر تهران در برخی عوامل شخصیتی آزمون 16 PF است. ابزار اندازه‌گیری در این پژوهش پرسشنامه شخصیت کتل (16PF) است. نتایج به دست آمده نشان داد که بین گروه موسیقیدان و غیر موسیقیدان در عوامل (A, I,F) تفاوت معنی داری وجود ندارد، ولی بین این دو گروه در عامل M تفاوت معنی داری وجود دارد.

نمکی (۱۳۷۵) در پژوهشی به بررسی مقایسه‌ای ویژگی‌های شخصیتی دانش‌آموزان دبیرستانی دختر و پسر تیزهوش و عادی پرداخته است. هدف این پژوهش بررسی مقایسه‌ای ویژگی‌های شخصیتی دانش‌آموزان دبیرستانی دختر و پسر «تیزهوش» و «عادی» است. برای مشخص کردن ویژگی‌های شخصیتی آنها، پرسشنامه‌های «کتل» و «ادواردز» به کار برده شده است. از روش آماری مجذورکا برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شده است. مجذورکا نشان داد که بین پاره‌ای از مولفه‌های شخصیتی در دو گروه تیزهوش و عادی تفاوت معنی داری وجود دارد.

بهریزی (۱۳۷۵) در پژوهشی به بررسی رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی با خلاقیت و خلاقیت با پیشرفت تحصیلی در دانشجو معلمان مرد مرکز آموزش عالی ضمن خدمت فرهنگیان اهواز پرداخته است. هدف پژوهش حاضر، بررسی رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی و عملکرد تحصیلی با خلاقیت در دانشجو معلمان مرد مرکز آموزش عالی ضمن خدمت فرهنگیان اهواز است. نتایج نشان داد که بین برخی از ویژگی‌های شخصیتی با ابعاد چهارگانه خلاقیت و نمره کل خلاقیت رابطه معنی دار وجود دارد و ویژگی‌های شخصیتی استوار- احساساتی، خطرکننده- محافظه کار و جسور- ترسو از سایر ویژگی‌ها با خلاقیت رابطه دارند و متغیر شخصیتی استوار- احساساتی بهترین متغیر پیش‌بینی کننده خلاقیت است. همچنین بین خلاقیت و عملکرد تحصیلی آزمودنی‌ها رابطه معنی دار به دست نیامد.

باس و بارنز در مطالعه مطالعه تعدادی از مسائل شخصیتی از طریق چیزهایی که همسران ترجیح می‌دهند نموده اند. افراد در جستجوی همسرانی هستند که از لحاظ ویژگی‌هایی مانند همربانی، هوش، جذابیت، ثروت و غیره با آنها متفاوت باشند. این رجحان‌ها در مطالعه باس و بارنز به انعکاس ویژگی‌های شخصیتی گرایش داشت. هر چند به نظر می‌رسد که تفاوت‌های جنسی زیادی وجود داشته باشد. برای مثال، همسران مهربان و با ملاحظه توسط مردانی که برونگرایی بالایی دارند و زنانی که روان‌ندگرای آنها بالاست ترجیح داده می‌شوند. به علاوه، این رجحان‌ها با شخصیت‌های واقعی همسران نیز در ارتباط بوده اند. زنانی که شوهرانی مهربان می‌خواستند به ازدواج با مردانی تمایل داشتند که در ارزیابی‌های دوست داشتنی بودن نمرات

بالایی کسب کردند. ظاهراً شخصیت با انتخاب همسر در ارتباط است البته به دو روش مستقیم (باس و بارنز در گروسی فرشی، محمدی، ۱۳۸۱)

کتل و همکارانش (۱۹۴۶) چند پژوهش تحلیل عاملی انجام دادند. در پژوهش مقدماتی، کتل، فهرستی از ۱۷۱ متغیر شخصیت را که در ادبیات روانشناسی و واژه نامه‌ها مطرح شده بودند، جمع آوری کرد. او از دوستان و همکاران ۱۰۰ آزمودنی تقاضا کرد که آنها را برحسب این متغیرها درجه بندی کنند. آزمودنی‌هایی گروه دوم نیز بر اساس یک فهرست مختصر از متغیرها درجه بندی شدند. این درجه بندیها تجزیه و تحلیل شدند و نتایج ۱۶۰ صفت عمقی را بدست داد که پرسشنامه 16PF2 را تشکیل می دهد. یک مطالعه دیگر بوسیله کتل به تاثیر نسبی وراثت و محیط بر شخصیت اختصاص داشت. تحلیل عاملی داده‌های مربوط به ۳۰۰۰ آزمودنی مرد، بین سنین ۱۲ تا ۱۸ سال نشان داد که سه صفت عمقی عمدتاً به وسیله وراثت تعیین می شود. این صفت‌های عمقی عبارتند از: F (متین در برابر بی عار)، عامل I (کله خشک در برابر با احساس)، و عامل Q3 (خودپنداره بی قید و بند در برابر خوددار). سه صفت دیگر نیز پیدا شدند که عمدتاً بوسیله عوامل محیطی تعیین می شوند. این عامل‌ها عبارتند از عامل E (ترسو در برابر حادثه جو)، عامل G (بی پروا در برابر با وجدان) و عامل Q4 (آرام در برابر نگران) (کتل و همکاران، ۱۹۶۴).

کتل (۱۹۵۷)، با استفاده از پرسشنامه ۱۶ عاملی شخصیت، تفاوت‌های شغلی را بین درونگرایان و برونگرایان نشان داد که براساس توصیف‌های یونک از آنها، قابل پیش بینی بودند. درونگرایی در میان محققان و هنرمندان و برونگرایی در میان مهندسان و ماموران آتش نشانی بالا بود. (جمهری، کریمی، نقشبندی، گودرزی، بمیرایی، نیکخو، ۱۳۷۸)

روش پژوهش

محقق در این پژوهش بر آن است تا رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی (درونگرایی، برونگرایی، سلطه‌گری، سلطه‌پذیری) و نگرش نسبت به ازدواج را مورد بررسی قرار دهد. بنابراین برای بررسی رابطه بین این متغیرها از تحقیق همبستگی استفاده نموده است. این تحقیق

برای کسب اطلاع از وجود رابطه بین متغیرها انجام می‌پذیرد، ولی الزاماً کشف رابطه علت و معلولی مورد نظر نیست. در این تحقیق محقق می‌خواهد بداند که آیا بین دو چیز یا دو گروه اطلاعات رابطه و همبستگی وجود دارد یا خیر، یعنی اینکه آیا تغییر در یکی با تغییر در دیگری همراه است یا خیر، و اگر چنین ارتباطی وجود دارد، از چه نوع بوده و میزان آن چقدر است. همانطور که قبلاً ذکر گردید در این تحقیق، پژوهشگر بر آن است که ارتباط بین متغیرهای برون‌گرایی، درون‌گرایی و سلطه‌گری، سلطه‌پذیری را با نگرش نسبت به ازدواج بررسی نماید. برای بررسی این ارتباط و چگونگی آن از ضریب همبستگی پیرسون استفاده می‌شود. جامعه آماری در این پژوهش با توجه به موضوع تحقیق کلیه دانشجویان دختر ۱۸ تا ۲۵ ساله دانشگاه اصفهان که در سال تحصیلی ۹۱-۹۲ به تحصیل اشتغال دارند است. آمار کل این جامعه حدود ۱۲ هزار نفر هستند و روش نمونه‌گیری به کار گرفته شده در این تحقیق، روش نمونه‌گیری طبقه‌ای است؛ یعنی زیر گروه‌ها به همان نسبتی که در جامعه هستند به عنوان نماینده جامعه در نمونه تحقیق حضور دارند. بنابراین با توجه به حجم جامعه مورد نظر، ۳۹۱ نفر به عنوان نمونه تحقیق انتخاب شوند. روش‌های گردآوری اطلاعات را به طور کلی می‌توان به دو طبقه روش‌های کتابخانه‌ای و روش‌های میدانی تقسیم نمود. در این پژوهش برای جمع‌آوری اطلاعات مربوط به پاسخ‌گویی به سؤالات به طور عمده از روش‌های میدانی استفاده شده است و همچنین در تدوین فرضیه‌ها و شاخص‌ها از روش‌های کتابخانه‌ای استفاده شده است.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های توصیفی

داده‌های تحقیق حاصل استخراج ۳۹۱ پرسشنامه است که در میان دانشجویان دختر ۱۸ تا ۲۵ ساله دانشگاه اصفهان تکمیل گردیده و اساس تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش حاضر قرار گرفته است. میانگین سنی دانشجویان ۲۰ ساله بوده است و اطلاعات مربوط به وضعیت تأهل پاسخگویان نشان می‌دهد که ۳۵/۳ پاسخگویان را افراد مجرد، و ۵۵/۸ درصد افراد را متأهل تشکیل می‌دهند. تحصیلات پدر نشان می‌دهد که ۳۶/۱ درصد از تحصیلات پدر در سطح ابتدایی است و ۱۶/۶ درصد افراد دارای تحصیلات دیپلم و بی‌سواد هستند و وضعیت

تحصیلات مادر متفاوت تر است. در بحث طبقه اجتماعی مشخص است که ۳۹/۹ درصد از پاسخگویان خود را دارای طبقه اجتماعی متوسطی می‌دانند و ۱۸/۹ خود را دارای طبقه اجتماعی بالا می‌دانند و همچنین ۱۹/۹ درصد پاسخگویان خود را جزو طبقه پایین می‌دانند. البته نکته قابل تأمل تعلق ۱۰ درصد افرا به وضعیت زیر خط فقر است که خود در این پژوهش عنوان کرده‌اند.

یافته‌های استنباطی آزمون فرضیه نخست

فرضیه نخست: بین میزان درونگرایی و نگرش به ازدواج در بین دختران دانشجو رابطه وجود دارد.

با توجه به ترتیبی بودن سطح سنجش این دو متغیر در آزمون این فرضیه از همبستگی اسپیرمن استفاده کردیم. با توجه به مقدار $r = -0/435$ و $sig = 0/000$ بین دو متغیر مذکور رابطه معناداری بین میزان درونگرایی و نگرش به ازدواج وجود دارد. مقدار r منفی است و با اطمینان ۹۹ درصد می‌توان گفت هرچه میزان درونگرایی بالا باشد، سطح نگرش به ازدواج کمتر می‌شود.

جدول (۲) نتایج آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن بین درونگرایی و نگرش به ازدواج

نام متغیر	ضریب همبستگی اسپیرمن	سطح معنی‌داری (دو سویه)
درونگرایی و نگرش به ازدواج	-۰/۴۳۵	۰/۰۰۰

آزمون فرضیه دوم

فرضیه دوم: بین میزان برونگرایی و نگرش به ازدواج در بین دختران دانشجو رابطه وجود دارد.

با توجه به ترتیبی بودن سطح سنجش این دو متغیر در آزمون این فرضیه از همبستگی اسپیرمن استفاده کردیم. با توجه به مقدار $r = 0/237$ و $sig = 0/000$ بین دو متغیر مذکور رابطه

معناداری بین میزان برونگرایی و نگرش به ازدواج وجود دارد. مقدار t مثبت است و با اطمینان ۹۹ درصد می‌توان گفت هرچه میزان برونگرایی بالا باشد، سطح نگرش به ازدواج آنان بالاتر می‌رود.

جدول (۳) نتایج آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن بین برونگرایی و نگرش به ازدواج

نام متغیر	ضریب همبستگی اسپیرمن	سطح معنی داری (دو سویه)
برونگرایی و نگرش به ازدواج	-۰/۲۳۷	۰/۰۰۰

آزمون فرضیه سوم

فرضیه سوم: بین میزان سلطه‌گری و نگرش به ازدواج در بین دختران دانشجو رابطه وجود دارد.

با توجه به ترتیبی بودن سطح سنجش این دو متغیر در آزمون این فرضیه از همبستگی اسپیرمن استفاده کردیم. با توجه به مقدار $t = ۰/۱۳۹$ و $sig = ۰/۱۱۱$ بین دو متغیر مذکور رابطه معناداری بین میزان سلطه‌گری و نگرش به ازدواج وجود ندارد. با توجه به مقدار سطح معناداری می‌توان گفت مشاهده تفاوت ناشی از خطای نمونه بوده و قابلیت تعمیم به جامعه آماری را ندارد.

جدول (۴) نتایج آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن بین سلطه‌گری و نگرش به ازدواج

نام متغیر	ضریب همبستگی اسپیرمن	سطح معنی داری (دو سویه)
سلطه‌گری و نگرش به ازدواج	۰/۱۳۹	۰/۱۱۱

آزمون فرضیه چهارم

فرضیه چهارم: بین میزان سلطه‌پذیری و نگرش به ازدواج در بین دختران دانشجو رابطه وجود دارد.

با توجه به ترتیبی بودن سطح سنجش این دو متغیر در آزمون این فرضیه از همبستگی اسپیرمن استفاده کردیم. با توجه به مقدار $r = 0/667$ و $sig = 0/000$ بین دو متغیر مذکور رابطه معناداری بین میزان سلطه‌پذیری و نگرش به ازدواج وجود دارد. مقدار r مثبت است و با اطمینان ۹۹ درصد می‌توان گفت هرچه میزان سلطه‌پذیری بالا باشد، سطح نگرش به ازدواج بیشتر می‌شود.

جدول (۵) نتایج آزمون همبستگی اسپیرمن بین سلطه‌پذیری و نگرش به ازدواج

نام متغیر	ضریب همبستگی اسپیرمن	سطح معنی‌داری (دو سویه)
سلطه‌پذیری و نگرش به ازدواج	۰/۶۶۷	۰/۰۰۰

بحث و نتیجه‌گیری

هر پژوهش با توجه به نیازمندی‌های جامعه تنظیم می‌گردد. خصوصاً در دنیای امروز که پیچیدگی روابط و پیشرفتهای تکنولوژی منجر به ایجاد زمینه‌های تازه‌ای شده است. انجام یک پژوهش صرفاً با اعلام تایید یا عدم تایید فرضیه‌های آن پژوهش پایان نمی‌گیرد. یک جزو مهم تر هر پژوهش ارزشمند، استفاده از مفاهیم زیر بنای پژوهش است که هم به ایجاد فرضیه‌های جدیدی خواهد منجر شد و هم به انواع و گسترش روش‌های نوین در حل مسائل و مشکلات موجود جامعه کمک خواهد کرد. به همین منظور در این قسمت محقق اقدام به بحث و تفسیر نتیجه به دست آمده نموده است. با مروری بر تحقیقات و مطالعات انجام یافته، صورت گرفت، مشخص شد که پیرامون متغیرهای مورد مطالعه، پژوهش کاملاً مربوط به موضوع صورت نگرفته و بیشتر پژوهش‌های انجام شده در مورد یکی از متغیرها است که با عوامل دیگر سنجیده شده است، این مسأله باعث شده که مقایسه نتایج تحقیق با سایر تحقیقات قبلی کمی مشکل شود. بنابراین سعی شده نتایج پژوهش با مطالعاتی که به نوعی با متغیرها در ارتباط هستند مقایسه شود. نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد بین میزان سلطه‌گری و نگرش به ازدواج در بین دختران دانشجو رابطه وجود ندارد. اما بین میزان درونگرایی، برونگرایی و میزان سلطه‌پذیری و نگرش به ازدواج در بین دختران دانشجو رابطه وجود دارد. با توجه به بررسی

سایر تحقیقات مشابه انجام گرفته می‌دانیم که هر انسانی دارای شخصیت منحصر به فرد خود است و بر اساس آن در موقعیت‌های مختلف عکس‌العمل‌های متفاوتی از خود نشان می‌دهد. بنابراین این شخصیت هر انسانی است که رفتارها، نگرشها و اعتقادات او را شکل می‌دهد. پس با شناخت شخصیت هر فردی می‌توان رفتار او را در موقعیت‌های مختلف تا حدودی پیش بینی کرد. با توجه به مطالب یاد شده می‌توان نتیجه گرفت که ویژگی‌های شخصیتی بر رفتارها و نگرش‌های افراد نسبت به موقعیت‌های مختلف تاثیر بسزایی دارد. در زمینه تاثیر ویژگی‌های شخصیتی بر مسائل مختلف تحقیقات فراوانی صورت گرفته است. یکی از این مسائل ازدواج و انتخاب همسر است که همیشه مورد توجه اندیشمندان بوده است. باس و بارنز در تحقیق خود به بررسی تاثیر ویژگی‌های شخصیتی بر انتخاب همسر پرداختند. در این تحقیق مشخص شد که مردانی که برونگرایی بالایی دارند. همسران مهربان و با ملاحظه را ترجیح می‌دهند. همچنین در این تحقیق معلوم شد که شخصیت با انتخاب همسر در ارتباط است؛ البته نه به روش مستقیم، کتل و نسل رود هم در پرسشنامه 16PF را برای تعیین رابطه بین صفت‌های شخصیت و ثبات ازدواج به کار بردند، نتایج این تحقیق نشان داد که ثبات ازدواج برای توان بر مبنای نمره‌های آزمون پیش بینی کرد. زوجین ازدواج‌های پایدار، صفت‌های شخصیت بسیار مشابه و زوجین ازدواج‌های ناپایدار، صفت‌های شخصیت بسیار متفاوتی داشتند. آفاجانی نیز به بررسی رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی و نگرش نسبت به ازدواج پرداخته و تاثیر ویژگی‌های شخصیتی را بر نگرش نسبت به ازدواج به اثبات رسانده است. بنابراین با توجه به نتایج حاضر به این نتیجه می‌رسیم که ویژگی‌های شخصیتی بر ازدواج و نگرش نسبت به آن تاثیر دارد. البته در این زمینه تحقیقات بیشتری نیاز است تا با دقت و اطمینان کامل بتوان تاثیر ویژگی‌های شخصیتی را بر امر مهم ازدواج مشخص نمود.

پیشنهادات

۱- توصیه می‌شود که تحقیقی نیز در زمینه سایر ویژگی‌های شخصیتی و تاثیر آنها بر ازدواج و نگرش نسبت به آن صورت پذیرد.

- ۲- پیشنهاد می‌شود که تحقیقی مشابه به تحقیق حاضر بر روی جوانان غیر دانشجویی که در محدوده سنی وسیع‌تری قرار دارند انجام شود.
- ۳- توصیه می‌شود که تحقیقی مشابه به تحقیق میان پسران دانشجویی ۱۸ تا ۲۵ ساله صورت پذیرد و نتایج آن با نتایج این تحقیق مقایسه و بررسی شود.
- ۴- پرسشنامه نگرش نسبت به ازدواج تنها اعتباریابی شده پیشنهاد می‌شود روایی آن نیز گرفته شود.

منابع

- ۱- آسینگ، هانس یورگن. (۱۳۷۷). واقعیت و خیال در روانشناسی، مترجمان: محمد نقی براهنی، نیران گاهان، تهران: نشر رشد، چاپ دوم.
- ۲- ا.اس. آلن. (۱۳۷۳). نظریه‌های شخصیت، ترجمه: سیاوش جمالیفر، تهران: انتشارات بعثت.
- ۳- احدی، حسن؛ نبی جمالی، شکوه السادات. (۱۳۷۱). روانشناسی رشد (مفاهیم بنیادی در روانشناسی کودک)، تهران: نشر بنیاد، چاپ پنجم.
- ۴- استون، هانا؛ استون، ابراهام. (۱۳۷۲). پاسخ به مسائل جنسی و زناشویی، ترجمه طرازالله اخوان، تهران: نشر کلینی، چاپ بیست و یکم.
- ۵- اسکافی، مریم. (۱۳۸۰). بررسی عوامل موثر بر نگرش افراد متأهل نسبت به همسان همسری مورد مطالعه شهر شیراز، رساله کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه شیراز.
- ۶- اشلی، دیوید؛ دیوید مایکل اورنشتین. (۱۳۸۳). نظریه جامعه‌شناسی (اصول و مبانی کلاسیک)، ترجمه علی اکبر میر مهدی حسینی، کرمان: انتشارات دانشگاه شهید باهنر.
- ۷- افتخاری، فیض‌الله. (۱۳۷۴). بررسی تفاوت‌های شخصیتی موسیقیدانان و غیر موسیقیدانان شهر تهران در برخی از عوامل شخصیتی، پایان‌نامه چاپ شده، دانشگاه علامه طباطبائی.
- ۸- آقاجانی، احمد. (۱۳۷۶). بررسی ویژگی‌های شخصیتی دانشجویان مجرد ۱۸ تا ۲۵ ساله دانشگاه‌های تهران و رابطه آن با نگرش آنها به ازدواج، پایان‌نامه چاپ نشده، دانشگاه تربیت مدرس.

- ۹- بشارت، محمدعلی. (۱۳۸۶). بررسی ابعاد شخصیتی و هوش هیجانی، مجله علمی پژوهشی مطالعات تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دوره هشتم شماره دوم، ص ۷۹-۹۳.
- ۱۰- بهروزی، ناصر. (۱۳۷۵). بررسی رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی با خلاقیت و خلاقیت با پیشرفت تحصیلی در دانشجو معلمان مرد مرکز آموزش عالی ضمن خدمت فرهنگیان اهواز، پایان نامه دانشگاه شهید چمران اهواز.
- ۱۱- پارسا، محمد. (۱۳۸۰). زمینه روان‌شناسی، تهران: انتشارات بعثت.
- ۱۲- پاریاب، عبدالحق. (۱۳۷۶). بررسی رابطه هوش و شخصیت در نوجوانان ۱۳ و ۱۴ ساله شهر یاسوج، پایان نامه دانشگاه تربیت مدرس.
- ۱۳- ترنر، جانانان اچ. (۱۳۸۲). ساخت نظریه جامعه‌شناسی، ترجمه: عبدالعلی لهسایی زاده. شیراز: نشر نوید.
- ۱۴- جلالی، مهدی. (۱۳۴۷). مقدمه روانشناسی، تهران، نشر امیر کبیر، چاپ دوم.
- ۱۵- جلیلیان، زهرا. (۱۳۷۵). عوامل اجتماعی موثر بر درخواست طلاق در شهر تهران. رساله کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده علوم اجتماعی.
- ۱۶- حجازی، یوسف و ایروانی، محمود. (۱۳۸۱). رابطه ویژگی‌های شخصیتی و عملکرد شغلی کارکنان بخش کشاورزی. مجله روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران: سال سی و دوم شماره ۲، ص ۱۱۹-۱۷۱.
- ۱۷- خسروی، زهرا. (۱۳۷۳). بررسی ارتباط بین شخصیت و سبک مدیریت در مدارس راهنمایی دخترانه تهران، پایان نامه دانشگاه علامه طباطبایی.
- ۱۸- روضاتی، سید احمد. (۱۳۷۲). انتخاب همسر (تست ازدواج)، اصفهان: نشر کانون پژوهش، چاپ اول.
- ۱۹- ریاحی، محمد اسماعیل؛ علیوردنیا، اکبر؛ بهرامی کاکاوند، سیاوش. (۱۳۸۶). تحلیل جامعه‌شناختی میزان گرایش زوجین به طلاق. پژوهش زنان. دوره ۵: شماره ۳.
- ۲۰- ریتزر، جورج. (۱۳۸۴). نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: علمی.

- ۲۱- زیبایی نژاد، محمد رضا؛ سبحانی، محمد تقی. (۱۳۸۵). *درآمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام*. قم: نشر هاجر.
- ۲۲- سوری، حلیمه. (۱۳۷۳). مقایسه خصوصیات شخصیتی دبیران و کارمندان اداری در جامعه زنان تحصیل کرده. تهران: پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی، دانشگاه تهران.
- ۲۳- سیاسی، علی اکبر. (۱۳۷۱). *نظریه‌های شخصیت یا مکاتب روان‌شناسی*، تهران: چاپ دانشگاه تهران.
- ۲۴- سیاسی، علی اکبر. (۱۳۸۱). *نظریه‌های شخصیت (یا مکاتب روانشناسی)*، تهران: نشر دانشگاه تهران، چاپ نهم.
- ۲۵- سیاسی، علی اکبر. (۱۳۸۲). *نظریه‌های شخصیت*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۲۶- شاملو، سعید. (۱۳۷۷). *مکتب‌ها و نظریه‌ها در روانشناسی شخصیت*، تهران: نشر رشد، چاپ ششم.
- ۲۷- شوستروم، اورت. (۱۳۶۲). *روانشناسی انسان سلطه جو*، ترجمه: قاسم قاضی و غلامعلی سرمد، تهران: نشر سپهر، چاپ دوم.
- ۲۸- شولتز، دوان؛ شولتز، سیدنی الن (۱۳۷۹). *نظریه‌های شخصیت*، ترجمه: سید محمدی، یحیی، تهران: نشر ویرایش، چاپ ششم، ۱۳۷۹.
- ۲۹- شیخی، محمد تقی. (۱۳۸۰). *جامعه‌شناسی زنان و خانواده*. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- ۳۰- شیرزاد، جلال؛ کاظمی فر، امیر محمد. (۱۳۸۳). *مطالعه همگیرشناسی زوجین در حال طلاق ارجاعی به اداره کل پزشکی قانونی استان همدان*. *مجله علمی پزشکی قانونی*. سال ۱۰، شماره ۳.
- ۳۱- عزیزی، ابوطالب. (۱۳۷۷). *بررسی رابطه پایگاه اقتصادی-اجتماعی دختران تحصیلکرده شاغل در سن تأخیری ازدواج بر نگرش آنها در مورد همسان همسری مورد مطالعه شهر شیراز*. رساله کارشناسی ارشد. دانشگاه شیراز.
- ۳۲- عسکری، حسین. (۱۳۸۵). *نقش بهداشت روان در ازدواج، زندگی زناشویی و طلاق*. تهران: نشر گفتگو.

- ۳۳- علی محمدی، حسین. (۱۳۷۵). بررسی رابطه اضطراب امتحان، درونگرایی، برونگرایی دانش آموزان، تحصیلات و شغل والدین با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان، پایان نامه دانشگاه شیراز.
- ۳۴- گروسی فرشی، میر تقی. (۱۳۸۰). رویکرد نوین در ارزیابی شخصیت (کاربرد تحلیل عاملی در مطالعات شخصیت). تبریز: جامعه پژوه، دانیال.
- ۳۵- محقق داماد، مصطفی. (۱۳۸۴). بررسی فقهی حقوق خانواده نکاح و انحلال آن. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- ۳۶- محمدی، زیدان. (۱۳۷۸). رابطه پنج عامل بزرگ شخصیت و سبک رهبری با بهره‌وری خدمات آموزشی مدیران مدارس راهنمایی و دبیرستان‌های اسلام‌آباد غرب، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- ۳۷- مددی، حسین. (۱۳۸۰). بررسی علل تقاضای طلاق زوجین (دیدگاه اقتصادی^۰ اجتماعی) در شهرستان اراک. رساله کارشناسی ارشد. دانشکده علوم بهزیستی و توان بخشی. رشته مدیریت رفاه اجتماعی.
- ۳۸- مشیری، زهرا؛ سعیدی، زهره؛ کیانی، مرغوب؛ ملک ابراهیم، نورمیل. (۱۳۷۹). بررسی فراوانی و علل طلاق در شهرهای جنوب استان مازندران. مجموعه مقالات نخستین همایش سراسری علل و پیامدهای طلاق، اصفهان. ۳-۴ اسفند.
- ۳۹- مظاهری، علی اکبر. (۱۳۸۱). جوانان و انتخاب همسر، قم: نشر پارسایان، چاپ هفدهم.
- ۴۰- ملتفت، حسین. (۱۳۸۱). بررسی عوامل موثر بر گرایش زوجین به طلاق در شهرستان داراب. رساله کارشناسی ارشد رشته جمعیت‌شناسی. دانشگاه شیراز، دانشکده علوم اجتماعی.
- ۴۱- نمکی، زهرا. (۱۳۷۵). بررسی مقایسه‌ای ویژگی‌های شخصیتی دانش آموزان دبیرستانی دختر و پسر تیز هوش و عادی، پایان‌نامه دانشگاه تربیت مدرس.